

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نهاد اجتماعی - اقتصادی پیشرفت و آبادانی روستا

واحد مطالعات راهبردی کارگروه اشتغال و معیشت

قرارگاه پیشرفت و آبادانی

ویرایش نخست - تابستان ۹۷

پیشگفتار

«رستا»، به معنای رستگاری، نامی گه‌ن برای روستا و عنوان نهادی اجتماعی-اقتصادی است که در سال ۱۳۹۵ با هدف پیشرفت و آبادانی روستاهای کشور تاسیس شد. تمرکز نهادهای فعال حوزه‌ی توسعه روستایی بر رشد و توانمندسازی روستائیان و تقویت بنیان‌های مشارکت عمومی آنان (تسهیل‌گری) و کم‌توجهی آن نهادها به توسعه‌ی مشاغل روستایی و انجام کلان‌اقداماتی نظیر بهسازی سیستم اشتغال روستایی، تکمیل و توسعه زنجیره‌ی ارزش^۱ محصولات با ایجاد صنایع بالادستی، توسعه بازار فروش محصولات روستایی، رفع موانع اشتغال آنان و اصلاح قوانین مرتبط در سطح منطقه‌ای و ملی (توسعه‌گری)، مهمترین عاملی بود که زمینه‌ی تاسیس رستا را فراهم آورد.^۲ رستا مبتنی بر انگاره‌ی خود از مدل مطلوب پیشرفت و آبادانی روستاها، مدلی اولیه طراحی نمود و از سال ۱۳۹۶ به صورت عملی وارد فرآیند اجرایی ۱۱۰ روستای محروم کشور شد. مدل فعالیت رستا در مسیری یکساله، متأثر از بازخورد واقعیت‌های میدانی، مطالعه تجربیات ملی در زمینه توسعه اقتصاد منطقه‌ای و بررسی اثری از پروفیسور فرامرز رفیع‌پور، دکتر مرتضی فرهادی و دکتر پاپلی یزدی بهبود یافت به نحوی که می‌توان ادعا نمود رستا، مفاهیم بنیادینی را وارد ادبیات این حوزه نموده است.^۳ همچنین سازگاری مدل فعالیت رستا با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۴ از دیگر مولفه‌های استحکام‌بخش آن است.

قوام یافتن مدل رستا متأثر از نظرات ارزشمند آقایان میثم دهقان، روح‌اله حمیدی مطلق، علیرضا دوستانی، مجید عبداللهی، هادی فلاحی، علیرضا تهمورسی، محسن نیک‌نفس، یاسر خانی، زکریا حسینی، مهدی تبار، محمد اقبالی و مشاوره و مساعدت‌های ویژه برادر رضا تازیکی بوده است که تقدیر و تشکر از این عزیزان را ضروری می‌نماید.

تدوین مدل فعالیت رستا به صورت مکتوب فواید متعددی داشت که در نهایت تدوین این کتابچه را رقم زد. از جمله:

- ۱- تدقیق اجزای گوناگون مدل و رفع ناسازواری‌های آن
 - ۲- ایجاد فهم مشترک میان تمامی کنشگران رستا در سطوح گوناگون
 - ۳- انتقال تجربه به دیگر نهادهای دارای اشتراک ماموریت با رستا
 - ۴- فراهم‌سازی امکان نقد و بررسی مدل توسط صاحب‌نظران و بهبود مدل از این رهگذر
 - ۵- ثبت تجربه‌ای ملی به منظور کمک به نهادهایی که در آینده ماموریت مشابهی خواهند داشت
- امید است این کتابچه در تحقق اهداف فوق موفق شده باشد. با این وجود، رستا مشتاقانه آماده شنیدن کاستی‌های مدل خود و خلاءهای این کتابچه است.

۱. فرآیندی که از تأمین مواد اولیه برای تولید کالا آغاز شده و تا ارائه آن به مصرف‌کننده‌ی نهایی ادامه می‌یابد. «زنجیره» استعاره از گام‌های متصل به هم در این فرآیند است.

۲. این به معنای بی‌توجهی رستا به تسهیل‌گری نیست. در واقع رستا در کنار تسهیل‌گری، توسعه‌گری را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

۳. این مفاهیم به پیوست آمده است.

۴. ارتباط میان مدل رستا و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به پیوست آمده است.

فهرست مطالب

- ۷ چشم‌انداز رستا برای روستا
- ۷ مأموریت رستا
- ۷ راهبردهای کلان رستا
- ۶ اصول فعالیت رستا
- ۸ الف) مردم محوری
- ۸ ب) عدم تصدی‌گری و نهادسپاری
- ۹ ج) انحصارگریزی
- ۹ د) تمرکز
- ۱۰ ه) توسعه معکوس زنجیره ارزش
- ۱۰ مدل فعالیت رستا
- ۱۱ مدل فعالیت در راستای بهبود معیشت اهالی روستا
- ۱۱ الف) افزایش بهره‌وری کار و کسب‌های روستایی
- ۱۱ ب) خودکفاسازی روستا
- ۱۱ ج) حذف هزینه‌های زائد از سبد خانوار
- ۱۱ مدل فعالیت در راستای ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار
- ۱۲ الف) توسعه تولید در روستا
- ۱۲ ب) هدایت تقاضا در خارج از روستا
- ۱۳ ساختار نهادی رستا
- ۱۳ ستاد ملی رستا
- ۱۵ دفاتر منطقه‌ای
- ۱۵ واحدهای استانی
- ۱۵ الف) نهادهای راهبر استان
- ۱۶ ب) نهادهای واسط
- پیوست‌ها
- ۲۰ پیوست ۱: مفاهیم بنیادین رستا
- ۲۲ پیوست ۲: انطباق مدل رستا با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی
- ۲۴ پیوست ۳: مؤلفه‌های انتخاب روستای هدف
- ۲۶ پیوست ۴: مؤلفه‌های انتخاب رسته
- ۲۸ پیوست ۵: آیین‌نامه اجرایی نهاد واسط
- ۳۱ پیوست ۶: آیین‌نامه اجرایی نهاد راهبر استان
- ۳۳ پیوست ۷: آیین‌نامه اجرایی کانون پیشرفت روستا
- ۳۶ پیوست ۸: آیین‌نامه اجرایی سفیران روستا
- ۳۸ پیوست ۹: طرح «هم‌واره»
- ۴۰ پیوست ۱۰: آیین‌نامه اجرایی صندوق پیشرفت روستایی



چشم‌انداز رستا برای روستا

● رستا به دنبال تحقق روستایی است آباد^۱ و خوداتکا^۲ در مسیر پیشرفت و خلق حداکثری ارزش افزوده در درون روستا، با مردمی سرشار از امید و ایمان و میل به زندگی در روستا، توأم با تلاش، تولید و هم‌یاری.

مأموریت رستا

● رستا بر این باور است که «سطح پایین معیشت» و «فقدان یا ناپایداری اشتغال» در روستا، از عوامل اصلی کاهش میل افراد به زندگی در روستا و تشدید مهاجرت آنان به شهر است؛ روندی که به مرور زمان «هویت^۳» و «اولویت روستا^۴» را از بین برده است. مبتنی بر این تحلیل، رستا دو مأموریت ویژه برای خود در نظر گرفته است: ۱- بهبود معیشت اهالی روستا و ۲- ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در روستا. لازم به ذکر است که رستا در مسیر تحقق این دو مأموریت، بر ضرورت توجه به بنیادها و مسائل فرهنگی و اجتماعی تأکید دارد.

راهبردهای کلان رستا

● رستا معتقد است پیشرفت پایدار روستا در گرو عزم و اراده عمومی و مشارکت مؤثر و مستمر اهالی روستا است^۵ و در صورت فقدان این عزم و مشارکت مردمی، تمامی اقدامات عوامل بیرونی نظیر رستا بعد از مدتی ناکام خواهد ماند. لذا بخش عمده‌ای از فرآیند رستا متکی بر سازماندهی‌های اجتماعی و بهره‌مندی حداکثری از توان جمعی مردم روستا است. با این توضیحات رستا تقویت یا تأسیس نهادهای اجتماعی روستا را مقدم بر هر فعالیتی دانسته و تحقق تمامی اهداف و برنامه‌های خود نظیر بهبود معیشت و توانمندسازی اهالی روستا را از طریق نهادهای روستایی پیگیری می‌نماید. بر این اساس یکی از راهبردهای اساسی رستا برای تحقق چشم‌انداز و مأموریت خود، «یجاد و تثبیت نهادهای اجتماعی در روستا» است؛ نهادهایی متشکل از کنشگران فعال و مؤثر روستایی. علاوه بر راهبرد فوق که در سطح روستا محقق می‌شود، رستا معتقد است که پیشرفت و آبادانی روستاها نیازمند اقداماتی در سطح ملی است. بر این اساس راهبرد کلان دیگر رستا، «پیگیری، زمینه‌سازی و مطالبه‌گری برای ایجاد سازو کارها و زیرساخت‌های کلان برای رشد و پیشرفت روستا» است.

۱. برخوردار از زیرساخت‌های لازم برای زندگی و تولید

۲. بی‌نیاز از مداخلات و حمایت‌های بیرونی اعم از کمک‌های دولتی و یا غیردولتی

۳. از بین رفتن «هویت» به معنای وجود احساس محرومیت در اهالی روستا است که صرفاً ناشی از وجود محرومیت‌های مادی و معیشتی نیست بلکه بیشتر یک امر فرهنگی و اجتماعی است.

۴. از بین رفتن «اولویت روستا» بدین معناست که حتی اگر درآمدی در روستا ایجاد شود، معمولاً برای زندگی در شهر و حومه شهر هزینه می‌شود.

۵. ایجاد اشتغال عملاً به افزایش درآمد افراد منجر می‌شود و این امر، خود به بهبود سطح معیشت خانوار می‌انجامد. با این وجود، علت تأکید مستقل بر آن، ناکافی بودن وضعیتی است که در آن معیشت خانوار به طرق گوناگون (مثلاً از راه کاهش هزینه‌ها) بهبود یافته اما نرخ اشتغال افزایش نیافته باشد.

۶. خداوند سرنوشت هیچ قوم (و مملّتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند. (سوره رعد، آیه ۱۱)

اصول فعالیت رستا

● به منظور ایجاد انسجام در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات، رستا تمامی فعالیت‌های خود را سازگار با مجموعه‌ای از اصول محقق می‌سازد. با توجه به ماهیت اجتماعی و اقتصادی روستا، بخشی از این اصول ناظر به کنش‌های اجتماعی است، برخی به‌طور خاص در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد و بخشی نیز هر دو حوزه را شامل می‌شود. در ادامه اهم این موارد تبیین خواهد شد.

الف) مردم محوری

توجه به مردم روستا پیوستاری است که از اطلاع‌رسانی نتایج پروژه‌ها به آنان (کار برای مردم) آغاز شده و تا توانمندسازی مردم و واسپاری انجام کارها به آنان (کار توسط مردم) ادامه دارد. در میانه‌ی این پیوستار نیز بهره‌برداری از مردم در قالب‌هایی نظیر مشورت و همکاری (کار به کمک مردم) قابل تعریف است.

مراد از اصل مردم‌محوری، نقطه‌انتهایی این پیوستار است به نحوی که مردم روستا در تمامی برنامه‌ها و فرآیندها به صورت پررنگ نقش‌آفرینی نمایند؛ از جمع‌آوری اطلاعات، طراحی، برنامه‌ریزی، تأمین مالی تا اجرا و بهره‌برداری. در تأیید این اصل دلایل متعددی می‌توان برشمرد، از جمله:

۱) دستیابی به اطلاعات میدانی و اعتباربخشی به اطلاعات: برنامه‌ریزی برای روستا در گروه شناخت کامل وضعیت کنونی روستا، ظرفیت‌ها و نیازهای آن است. جمع‌آوری این اطلاعات به کمک اعتمادسازی و مشارکت مردم روستا ممکن است و عدم حضور آنان در این فرآیند می‌تواند صحت و دقت اطلاعات را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهد.

۲) جلب حداکثری مشارکت مردمی در اجرا: حضور مردم در فرآیند برنامه‌ریزی، در آنان احساس مالکیت نسبت به برنامه‌ها ایجاد کرده و این امر، انگیزه مشارکت آنان در اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌ها را تقویت می‌نماید.

۳) توانمندسازی مردم: مشارکت مؤثر مردم در فرآیندهای پیشرفت روستا، رشد و توانمندسازی آنان در برنامه‌ریزی، پیگیری، پیاده‌سازی، کار جمعی و مطالبه‌گری را در پی خواهد داشت.

۴) هویت‌بخشی به روستا: احیای بخشی از هویت، منزلت و احساس مالکیت از دست رفته در روستاها با یاری‌گری و نقش‌آفرینی مؤثر مردم روستا در بهبود شرایط روستا محقق خواهد شد.

۵) پایدارسازی پیشرفت: استمرار مسیر پیشرفت و ارتقاء روستا بدون حضور عوامل بیرونی نظیر رستا، در گرو توانمندی و انسجام اهالی روستا است. امید می‌رود از رهگذر مشارکت مردم، توان‌افزایی و تعاون آنان رقم خورده و زمینه پایدارسازی بهبود وضعیت روستا فراهم شود.

ب) عدم تصدی‌گری و نهادسپاری

ورود مستقیم رستا به عرصه اجرا حجم گسترده‌ای از خرده فعالیت‌ها را به ساختار تحمیل کرده و معمولاً فرصت برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و نظارت را از آن سلب می‌نماید. بر این اساس رستا در تمامی فرآیندهای خود تا حد امکان از تصدی‌گری پرهیز نموده و بهره‌برداری از ظرفیت نهادها و مؤسسات مردمی و خصوصی را در دستور کار قرار می‌دهد.



نهادهایی علاوه بر کاستن از بار اجرایی فعالیت‌ها، به تقویت و تثبیت نهادهای مردمی می‌انجامد. این امر به تدریج به شکل‌گیری اکوسیستمی طبیعی در مدار پیشرفت و آبادانی روستا منجر خواهد شد. لازم به ذکر است که در این اصل، علاوه بر تشکل‌های اقتصادی و اجتماعی مردمی، تمامی دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی نیز جایگاه «نهاد» را خواهند داشت و رستا تلاش می‌نماید به جای انجام وظایف به جای آن‌ها، ایشان را مجاب به همکاری و نقش‌آفرینی در انجام وظایف خود نماید. در این مسیر، رستا علاوه بر تسهیل‌گری نهادی از ظرفیت‌های «مطالبه‌گری مردمی» و «جریان‌سازی رسانه‌ای» نیز بهره می‌برد.

ج) انحصار‌گریزی

مداخله‌ی دستگاه‌های عمومی و حاکمیتی و تخصیص هر گونه حمایت مادی و معنوی به افراد و گروه‌ها می‌تواند منجر به ایجاد انحصار شود. مداخله رستا در روستاها نیز از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به اینکه انحصار عموماً به فساد منجر می‌شود و نیز به دور از عدالت است، توجه به عدم ایجاد انحصار و یا در بدترین حالت به کمینه رساندن آن، اصلی است که باید در تمامی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های رستا به آن توجه شود. بی‌توجهی به این اصل می‌تواند در مدت کوتاهی تمامی اقدامات اصلاحی را به عاملی برای فساد و ناکارآمدی بیشتر تبدیل نماید.

د) تمرکز

رستا بر این باور است که انتخاب «مشخص» و «محدود» حوزه‌ی فعالیت‌ها متناسب با ظرفیت، باعث می‌شود توان محدود رستا برای پشتیبانی با پراکندگی به هدر نرفته و با تمرکز نیروها و امکانات، امکان دریافت خروجی مناسب افزایش یابد.

این اصل در سه سطح از برنامه‌ریزی‌ها بروز و ظهور می‌یابد:

۱) **انتخاب روستای هدف:** اقدامات رستا در هر دهستان، در یک الی سه روستای محروم مستعد متمرکز می‌شود و نه در تمام سطح دهستان. مراد از «مستعد» یعنی: ۱- برخوردار از مؤلفه‌هایی نظیر سرمایه اجتماعی، جوانان فعال و زیرساخت تولید نظیر راه، آب و برق و ۲- فاقد عوامل ایجادکننده اختلال نظیر اختلافات قومی و قبیله‌ای^۱.

۲) **تعیین محورهای فعالیت اقتصادی در روستا:** فعالیت‌های اقتصادی در هر روستا بر «رسته‌های متناسب» و محدودی متمرکز می‌شود. مراد از رسته، «کار و کسب‌آ» مشخصی است که منجر به تولید یک محصول مشخص می‌شود، به عنوان مثال رسته‌ی خرما، فرش و سیب. مراد از «مناسب» نیز

۱. فهرست مؤلفه‌های انتخاب روستای هدف و شرح آن‌ها به پیوست آمده است.

۲. عبارت متداول «کسب‌وکار» برگرفته از عبارت «کاروکاسبی» است؛ واژه‌ای که مبتنی بر فرهنگ ایرانی و دینی، برای «کار» اصالت قائل شده و «کسب» را در درجه دوم قرار می‌دهد. مبتنی بر این باور، کسی که توأم با کار نباشد شرافت ندارد و از سوی دیگر، صرف فعالیت حتی اگر به درآمد چشم‌گیری هم منجر نشود، مورد توجه قرار می‌گیرد. تغییر این واژه به «کسب‌وکار» این نظام اولویت‌بندی را از بین برده و گویی اولویت را به «کسب» می‌دهد. با این توضیحات رستا با هدف اصلاح رویکرد کنونی، از همان واژه «کار و کسب» استفاده می‌نماید.



یعنی کار و کسبی که فراگیر بوده و گستره قابل توجهی از اهالی را تحت تأثیر قرار داده باشد، متناسب با اقلیم، بوم و فرهنگ روستا بوده و تولید آن سابقه زمانی مناسبی داشته باشد، بازار فروش مناسبی برای آن وجود داشته باشد، در آینده به دلایل زیست‌محیطی و اقلیمی، فرآیند تولید آن دچار اختلال نشود و ترجیحاً با امنیت غذایی کشور در ارتباط باشد.^۱

۳) **طراحی برنامه عمل جهت تقویت اقتصاد روستا:** بعد از انتخاب رسته‌های هدف، ضروری است اقداماتی در جهت توسعه‌ی آن رسته‌ها انجام شود. در این مرحله نیز رستا با «تحلیل زنجیره‌ی ارزش آ» هر رسته و شناسایی نقاط اصلی و اولویت‌دار در زنجیره‌ی ارزش، فعالیت خود را بر آن‌ها متمرکز می‌نماید.

ه) توسعه معکوس زنجیره ارزش

زنجیره ارزش فرآیندی است که از تأمین مواد اولیه برای تولید یک محصول آغاز شده و تا مصرف توسط مصرف‌کننده‌ی نهایی ادامه دارد. رستا بر این باور است که موتور محرک این زنجیره در سمت تقاضا یا همان بازار قرار دارد، به این معنا که با توسعه‌ی بازار، تحرک و توسعه در سمت تولید اتفاق خواهد افتاد. بر این اساس رستا نقطه آغاز عزیمت خود را توسعه و تقویت بازار و هم‌زمان قاعده‌گذاری و توانمندسازی تولید به منظور سهم‌بری بیشتر روستائیان از زنجیره ارزش قرار می‌دهد.

مدل فعالیت رستا

همان‌طور که گفته شد رستا دو مأموریت بر عهده دارد؛ «بهبود معیشت اهالی روستا» و «ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در روستا».

بهبود معیشت به معنای افزایش درآمد و یا کاهش هزینه‌های خانوار روستایی است، بر این اساس رستا در راستای افزایش درآمد خانوار بر افزایش بهره‌وری مشاغل روستایی متمرکز می‌شود^۲. کاهش هزینه‌ها نیز به کمک خودکفاسازی روستا در تأمین بخشی از نیازهای خود و نیز حذف هزینه‌های زائد از سبد خانوار تحقق می‌یابد.

مأموریت دوم رستا یعنی ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در روستا (افزایش نرخ اشتغال^۳) نیز به کمک تثبیت و توسعه «کار و کسب‌های» روستایی محقق می‌شود.

در ادامه جزئیات مدل فعالیت رستا در راستای تحقق این دو مأموریت تبیین خواهد شد؛

۱. فهرست مولفه‌های انتخاب رسته و شرح آن‌ها به پیوست آمده است.

۲. بررسی تمامی اقداماتی که در زنجیره ارزش انجام می‌شود به منظور شناسایی مشکلات در هر گام، تعیین گام‌های اولویت‌دار بر اساس اثر بهبود آن‌ها در افزایش بهره‌وری کل زنجیره و پیشنهاد اقداماتی در جهت رفع این مشکلات.

۳. هر چند ایجاد اشتغال نیز به بهبود معیشت منجر خواهد شد اما با توجه به اهمیت آن و در راستای مأموریت دوم، به صورت مستقل مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۴. در اغلب روستاها «بیکاری» به معنای متداول وجود ندارد و آنچه در روستاها مشاهده می‌شود «اشتغال ناقص» است. بر این اساس «نرخ اشتغال» در اینجا به معنای تعداد افراد شاغل مبتنی بر یک تعریف مشخص از شغل (فعالیت اقتصادی) نیست، بلکه به معنای مجموع میزان زمانی است که افراد به فعالیت تولیدی اختصاص می‌دهند. مبتنی بر این تعریف، وضعیت مطلوب، فعالیت تولیدی تمام‌وقت جمعیت فعال روستا در تمام مدت سال است.

مدل فعالیت در راستای بهبود معیشت اهالی روستا

در بالا اشاره شد که در راستای بهبود معیشت سه اقدام صورت می‌پذیرد؛ الف) افزایش بهره‌وری کار و کسب‌های روستایی، ب) خودکفاسازی روستا و ج) حذف هزینه‌های زائد از سبد خانوار. در ادامه هر یک از این سه اقدام به تفکیک تبیین خواهد شد.

الف) افزایش بهره‌وری کار و کسب‌های روستایی

افزایش بهره‌وری به معنای ایجاد تغییراتی در فرآیند تولیدات روستا است به نحوی که با فعالیت مشابه، محصول بیشتر و یا باکیفیت‌تری به دست آید. همچنین یکی دیگر از روش‌های افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید است. اصلاح الگوی کشت، افزایش عملکرد و کیفیت محصولات، کاهش ضایعات و تلفات کشاورزی و دامداری و خرید ارزان‌تر به صورت عمده از مصادیق اقدامات روستا در راستای افزایش بهره‌وری است.

ب) خودکفاسازی روستا

مراد از خودکفاسازی روستا، تلاش برای تأمین هر چه بیشتر نیازهای روستا توسط خود روستا است.^۱ در این مسیر از یک سو تلاش می‌شود به کمک آموزش و توانمندسازی برخی از اهالی روستا، بخشی از کالا و خدمات مورد نیاز روستا که در حال حاضر از شهر تأمین می‌شود، توسط اهالی تأمین گردد. این اقدام مانع از خروج نقدینگی از روستا شده و به ایجاد اشتغال و بهبود معیشت افراد منجر می‌شود. از سوی دیگر عموم ساکنان روستا به تأمین برخی نیازهای اولیه توسط خودشان نیز ترغیب می‌شوند. این مدل در گذشته مرسوم و فراگیر بوده اما به دلیل تغییر فرهنگی و تشدید روحیه آسایش‌طلبی بعضاً به فراموشی سپرده شده است.

ج) حذف هزینه‌های زائد از سبد خانوار

در راستای کاهش هزینه‌های زائد نیز اصلاح برخی باورهای فرهنگی و اجتماعی غلط مورد توجه قرار می‌گیرد؛ باورهایی که بعضاً هزینه‌های هنگفتی را به خانوار روستایی تحمیل میکند، از جمله هزینه‌های منزلتی رایج و بسیار پرخرج و نامتعارف در روستاها نظیر مراسم عزا، عروسی و تشریفات پرهزینه بازگشت از زیارت.

مدل فعالیت در راستای ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار

همان‌طور که گفته شد، ایجاد فرصت‌های شغلی از مسیر توسعه کار و کسب‌های روستایی محقق می‌شود. مدل توسعه فعالیت در این بخش مبتنی بر تحلیل روستا از «جایگاه روستا در اقتصاد» است. اگر اقتصاد را جریان مستمر «تولید» و «مصرف» کالا و خدمات بدانیم، روستا در بسیاری از موارد علی‌الخصوص در حوزه مواد غذایی در طرف تولید بوده، شهر بخش عمده مصرف را شکل می‌دهد و روستا نیز به نوعی تسهیل‌گر و توسعه‌گر برقراری این ارتباط است. با توجه به این تفکیک دو گانه شهر (مصرف) و روستا (تولید)، روستا در راستای تحقق چشم‌انداز و مأموریت خود به صورت عملیاتی

۱. در حال حاضر حتی بسیاری از مواد غذایی که به راحتی در روستا قابل تولید و تبادل است، از شهر تأمین می‌شود. این امر باعث خروج بیش از پیش ثروت از روستا و افزایش محرومیت می‌شود.



دو مسیر را دنبال می‌نماید؛ الف) توسعه تولید در روستا، ب) هدایت تقاضا در شهر. در ادامه جزئیات هر یک از این دو بخش به تفکیک تبیین خواهد شد.

الف) توسعه تولید در روستا

با توجه به چشم‌انداز روستا از روستا، در این محور تلاش می‌شود جایگاه روستا به عنوان قطب تولید تثبیت شود. این مهم از مسیر پنج گام و اقدام اساسی زیر محقق می‌شود؛

شناسایی: مراد از شناسایی، تحلیل دینامیک اقتصادی و اجتماعی روستا و انتخاب رسته‌های شغلی دارای مزیت و اولویت در روستا است. این انتخاب بر اساس شاخص‌هایی نظیر فراگیری، ماندگاری و بازاریابی با مشارکت کامل مردم روستا و مشاوره خبرگان فنی انجام می‌شود. لازم به تأکید است که مبتنی بر اصل «توسعه معکوس زنجیره ارزش»، انتخاب رسته و توسعه تولید کاملاً متناسب با بازار انجام می‌شود. در این گام، اقدامات اصلاحی اولویت‌دار در هر رسته بر اساس تحلیل زنجیره ارزش نیز مشخص می‌شود. این فرآیند نهایتاً به تدوین برنامه اقدام منجر می‌شود.

شبکه‌سازی روستائیان: مراد از شبکه‌سازی، متشکل نمودن روستائیان حول رسته‌های شناسایی شده است. مزیت اصلی این شبکه، «صرفه به مقیاس» است؛ کاهش هزینه‌هایی نظیر تهیه مواد اولیه، تسهیل فروش محصولات و نظایر آن. این شبکه همچنین سازماندهی‌های اجتماعی را تقویت می‌نماید. این فرآیند ابتدا نرم و به مرور زمان مبتنی بر اقتضات اجتماعی روستا به صورت سخت پیگیری می‌شود. هدف نهایی ایجاد یک هستهٔ منسجم، متحد و پایدار از اهالی روستا است.

توانمندسازی: بر اساس برنامهٔ اقدام تهیه شده برای هر رسته، توانمندسازی شبکه‌های شکل گرفته در قالب آموزش‌های کاربردی، کارگاه‌های عملی، بازدیدهای انگیزشی و تأمین تجهیزات و منابع مورد نیاز انجام میشود.

پایدارسازی: برای تثبیت و تقویت دائمی فرآیندها و زنجیره‌های شکل گرفته در آخرین مرحله اقداماتی نظیر نهادسازی، به هم رسانی و پایدارسازی انجام می‌گیرد.

لازم به ذکر است به منظور بهینه‌سازی اقدامات فوق، تمامی آن‌های توسط «نهاد واسط» انجام می‌شود؛ این نهاد با توجه به اینکه خود، عامل توزیع و فروش محصول نهایی است و از نیاز و ذائقه بازار آگاه است، شناسایی را کاملاً هدفمند انجام داده، شبکه‌سازی و توانمندسازی را نیز کاملاً نیاز محور در دستور کار قرار می‌دهد.

ب) هدایت تقاضا در خارج از روستا

تولید بدون وجود تقاضای مناسب عقیم خواهد بود. بر این اساس عامل اصلی توسعه تولید در روستا، فراهم‌سازی تقاضا برای آن است. همان‌طور که گفته شد بخش عمده تقاضا در بیرون روستا و در اغلب موارد در شهر است. هدایت تقاضا در بیرون روستا به کمک سه مجموعه اقدام رقم خواهد خورد؛ **بازاریابی و بازاریابی:** در این بخش تلاش می‌شود برای محصول روستایی بازارهای بهینه داخلی و

خارجی کشف شود و با بهترین قیمت و کمترین واسطه عملیات به بازرسانی انجام شود. در فرآیند بازاریابی نیز تلاش می‌شود با نوآوری، محصول جدیدی ایجاد و به بازار ارائه شود. اعتباربخشی و نشان‌سازی: یکی از مشکلات در مسیر فروش محصولات روستایی، فقدان اعتبار و برند مناسب برای آنهاست. از این رو استانداردسازی، اصالت‌بخشی و نشان‌سازی برای این محصولات یکی از اقدامات ضروری است.

آگاهی‌بخشی و ایجاد دغدغه: رستا بر این باور است که آگاه‌سازی مردم شهر نسبت به آثار اقتصادی و اجتماعی مصرف محصولات روستایی و نقش آن در پیشرفت و آبادانی روستا، عامل اثربخشی در افزایش تقاضا برای مصرف این محصولات است. از این رو این مهم نیز در دستور کار رستا قرار دارد.

ساختار نهادی رستا

رستا به کمک ساختاری سه لایه تحقق اهداف و مأموریت خود را دنبال می‌نماید. در سطح نخست، ستاد ملی رستا قرار دارد که وظیفه اصلی آن برنامه‌ریزی کلان، پشتیبانی از واحدهای استانی و نظارت بر عملکرد آن‌ها است. در سطح میانی دفاتر منطقه‌ای وجود دارد که رابط بین ستاد رستا و استان‌ها هستند. در آخرین لایه نیز با توجه به ماهیت دو گانه‌ی فعالیت‌ها، دو مجموعه نهاد پیش‌بینی شده است؛ «نهاد راهبر استان» با تمرکز بر فعالیت‌های اجتماعی و «نهاد واسط» با تمرکز بر فعالیت‌های اقتصادی. در ادامه هر یک از این سطوح به تفکیک تبیین خواهد شد؛

ستاد ملی رستا

همانطور که گفته شد وظیفه ستاد ملی رستا برنامه‌ریزی کلان، پشتیبانی از واحدهای استانی و نظارت بر عملکرد آن‌ها است. به منظور تحقق این وظیفه هفت دفتر در ستاد پیش‌بینی شده است؛ پنج مورد از این‌ها متناظر با محورهایی است که واحدهای استانی نیاز به پشتیبانی دارند، یک دفتر وظیفه نظارت را بر عهده دارد و یک دفتر نیز از ستاد خود رستا پشتیبانی اداری می‌نماید. عناوین دقیق و شرح وظیفه مختصر این دفاتر عبارت است از: ۱- بازار (به بازاریابی محصولات روستایی)، ۲- تامین و تعاملات (ارتباط موثر با مجموعه‌های مرتبط و تامین منابع مورد نیاز حرکت)، ۳- مطالعات فنی - اقتصادی (تحقیقات و بررسی‌های کاربردی در رشته‌های تخصصی)، ۴- آموزش و توانمندسازی (شناسایی، آموزش و رشد مستمر منابع انسانی مرتبط با حرکت)، ۵- فرهنگ - اجتماعی (فرهنگ‌سازی و زمینه‌سازی برای مشارکت‌های عمومی)، ۶- کنترل پروژه (پایش و نظارت مستمر پیشرفت فرآیندها در روستا) و ۷- پشتیبانی (امور اداری، مالی، حقوقی و قراردادی).

این هفت دفتر تخصصی به همراه مدیری رستا، هسته مرکزی ستاد ملی رستا را تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است که هر یک از این دفاتر در انجام بخشی از مسئولیت خود از پشتیبانی و خدمات تعدادی «قمر» در یک ساختار منظومه‌ای^۱ بهره‌مند می‌شوند. مراد از قمر، واحدی ستادی است که اقدامات رستا در سطح ملی را رقم می‌زند. به عنوان مثال برای فروش محصولات روستایی، وبسایتی

۱. مراد از ساختار منظومه‌ای آن است که دفاتر ستاد ملی رستا و اقرار، علاوه بر ارتباط با واحدهای فوقانی و تحتانی خود، با دفاتر و اقرار هم‌چوار خود نیز تعامل گسترده‌ای دارند.

مختص فروش مجازی محصولات روستایی پیش‌بینی شده در قالب یک قمر پیش‌بینی شده است. همچنین لازم به تاکید است که مبتنی بر اصل «عدم تصدی‌گری و نهادسپاری»، این اقمار معمولا در قالب موسسات خصوصی تشکیل می‌شوند.



تصویر شماره ۱: ساختار سازمانی ستاد رستا



دفاتر منطقه‌ای

ارتباط ستاد رستا با استانها از طریق دفاتر منطقه‌ای انجام میشود. هر دفتر منطقه‌ای واحدی است که با مجموعه‌ای از استانهای هم‌جوار ارتباط دارد^۱. به منظور ارتباط کامل صف و ستاد، مسئول هر یک از دفاتر ستاد ملی، هم‌زمان مسئول یکی از دفاتر منطقه‌ای است. مهمترین وظیفه‌ی دفتر منطقه‌ای در سطح هر استان، شناسایی و فعال‌سازی «نهاد راهبر استان»^۲ و نظارت بر عملکرد آن است. همچنین با توجه به ماهیت فرا استانی دفاتر منطقه‌ای، پیگیری کلان اقدامات فرا استانی در سطح منطقه نیز به عهده آن خواهد بود.

واحدهای استانی

همانطور که اشاره شد، با توجه به ماهیت دوگانه‌ی اجتماعی و اقتصادی اقدامات، در سطح استان نیز دو نوع نهاد متناظر پیش‌بینی شده است. در ماهیت و شرح وظایف هر یک از این دو به تفکیک مورد قرار می‌گیرد.

الف) نهادهای راهبر استان

مبتنی بر اصل «عدم تصدیگری و نهادسپاری»، تمامی اقدامات رستا به کمک شناسایی و یا ایجاد نهاد متناسب محقق می‌شود. برای تحقق اقدامات اجتماعی رستا در سطح استان، «نهاد راهبر استان» پیش‌بینی شده است. این نهاد جمعی از فعالان اجتماعی است که حسن سابقه همکاری با یکدیگر در قالب یک گروه متشکل را داشته و از تجارب فعالیت در جوامع محلی و روستایی بهره‌مند می‌باشند. در صورت فقدان این نهاد در استان، زمینه‌سازی برای ایجاد آن در دستور کار قرار می‌گیرد و تا آن زمان تحقق وظایف این نهاد بر عهده فردی به نمایندگی از رستا خواهد بود. این فرد «راهبر رستا» نام دارد؛ فردی مستعد و با انگیزه که توسط ستاد رستا مهارت‌های ارتباطی، داده‌برداری و طراحی مشارکتی با مردم روستا را آموزش دیده است.

سه وظیفه اجتماعی نهاد راهبر استان در ارتباط با روستاها عبارت است از:

۱. زمینه‌سازی برای تشکیل «کانون‌های پیشرفت روستا»^۳؛ نهاد متولی تحقق اهداف رستا در سطح روستا.
 ۲. تدوین «سند معیشت و اشتغال روستا» به صورت مشارکتی با اهالی روستا؛ برنامه‌ای میان‌مدت برای بهبود وضعیت معیشت و اشتغال در روستا.
 ۳. شبکه‌سازی اهالی روستا حول رسته‌های اولویت‌دار
- نهاد راهبر استان تمامی این وظایف را از طریق آموزش و اعزام «سفیران روستا»^۴ محقق می‌سازد. سفیر روستا فردی بیرونی است که به مسائل عمومی روستا و مدل فعالیت رستا آشنا بوده و با توجه

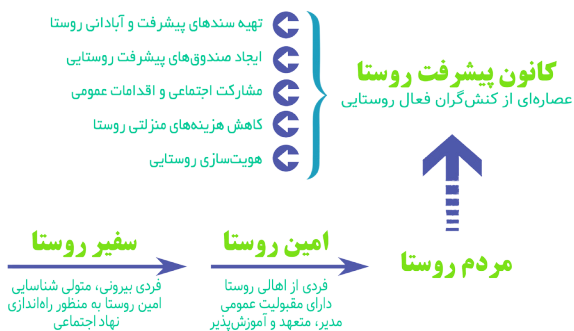
۱. استان‌های کشور به هشت منطقه افراز شده‌اند.

۲. اطلاعات تکمیلی پیرامون این نهاد به پیوست آمده است.

۳. اطلاعات تکمیلی پیرامون این نهاد به پیوست آمده است.

۴. اطلاعات تکمیلی پیرامون سفیر روستا به پیوست آمده است.

شناخت اولیه‌ای که از روستا وجود دارد تعیین می‌شود (شناسایی اولیه روستای هدف توسط نهاد راهبر استان انجام شده است). این نقش می‌تواند به یک روحانی، معلم و نظایر آن واگذار گردد. همچنین این نقش می‌تواند به افراد یا حتی خانواده‌های داوطلب («هم‌واره»^۱) نیز محول شود. اولین مأموریت سفیر روستا شناسایی «امین (یا امناء) روستا» است. امین فردی از اهالی روستا است که دارای مقبولیت عمومی بوده و مدیر، متعهد، پیگیر و آموزش‌پذیر باشد. بعد از شناسایی امین، نوبت به رشد و تعالی او می‌رسد تا بتواند زمینه شکل‌گیری کانون پیشرفت روستا را فراهم سازد. امین، این زمینه‌سازی را با تعریف اقدامات مشترک برای اهالی رقم می‌زند. مهم‌ترین اقدام زمینه‌ساز او، تدوین مشارکتی «سند معیشت و اشتغال روستا» و تلاش جمعی برای پیاده‌سازی آن است. یکی از محورهای مهم این سند شبکه‌سازی حول رسته‌های اولویت‌دار است. امید می‌رود از این مسیر، افراد مصمم و محوری برای ایجاد کانون شناسایی شوند.



تصویر شماره ۲: فرآیند ایجاد کانون‌های پیشرفت و آبادانی روستا

ب) نهادهای واسط

مراد از «نهاد واسط»^۲، توزیع‌کنندگان و یا فروشندگان نهایی فرآورده‌های روستایی هستند که از قابلیت تأمین مستقیم محصول از روستا (تولید تحت قرارداد^۳) برخوردارند. این نهادها همچنین بهینه‌سازی محصولات روستایی از طریق توانمندسازی و تجهیز روستاییان را در دستور کار قرار می‌دهند. لازم به ذکر است که از صنایع بزرگ تا بنگاه‌های متوسط و خرد توزیع مواد غذایی سالم و حتی یک خانواده دارای انگیزه («هم‌واره»^۴) می‌توانند در جایگاه نهاد واسط نقش آفرینی کنند. ضرورت بهره‌برداری از نهادهای واسط ریشه در اصل «عدم تصدی‌گری و نهادسپاری» دارد؛ ماهیت

۱. اطلاعات تکمیلی پیرامون این نهاد به پیوست آمده است.

۲. اطلاعات تکمیلی پیرامون این نهاد به پیوست آمده است.

۳. تولید تحت قرارداد یعنی انعقاد قرارداد فروش قطعی میان اهالی روستا و نهاد واسط. بر مبنای آن، روستایی با خیال آسوده و قوت قلب بیشتری محصول خود را تولید می‌نماید. این نوع از قرارداد امکان آموزش روستاییان در جهت تولید محصولاتی با استاندارد مشخص را نیز فراهم می‌سازد.

مردمی و خصوصی این نهادهای واسط ایجاد می‌کند که از کنش گرانی نظیر رستا، به مراتب بقاء و استمرار بیشتری داشته باشند و همین امر بر ثبات بیشتر کار و کسب‌های روستایی متصل به آنان می‌افزاید.

لازم به ذکر است شناسایی این نهادها و نظارت بر حسن عملکرد آنها در سطح روستاهای یک استان بر عهده نهاد راهبر آن استان است. همچنین با توجه به ماهیت اقتصادی این نهاد و ناتوانی آنها در برقراری ارتباط با ساختارهای اجتماعی در سطح روستا، امین روستا نقش عنصر واصل نهاد واسط به روستا و شبکه‌های شغلی روستا را ایفا می‌نماید.



شهر

زنجیره‌های مصرف

زنجیره‌های تولید

صنایع روستایی

صنایع فرآوری و فروش پیشرو که م قرارداد مستقیم از روستا تامین می‌کنند.

نهادهای واسطه

بنگاه‌های متوسط بازاریابی، فرآوری توانمندسازی روستاییان مواد اولیه و تامین می‌کنند.

هم‌واره‌های مردمی

گروه‌های مردمی که معین روستاها م روستاییان محصولات آنها را مستقیماً در ش می‌کنند.

تصویر شماره ۳: روندنمای

بازاریابی و بازاریابی



کشف یا خلق بازارهای مصرف محصولات بازاریابی از طریق زنجیره‌های تامین و توزیع

اعتباربخشی و برندسازی



استانداردسازی، اصالت‌سنجی و نشان‌سازی محصولات روستایی توسط زنجیره‌های تامین و توزیع

آگاهی‌بخشی و دغدغه‌سازی



تبیین و تبلیغ ضرورت خرید کالاهای روستایی و اهمیت آن در پیشرفت و آبادانی روستاها



روستا

زنجیره‌های تولید

تامین و توزیع



شناسایی

داده‌برداری و تحلیل و طراحی مشارکتی با مردم روستا



شبکه‌سازی

تشکیل تشکلهای شغلی حول رسته‌های منتخب



توانمندسازی

آموزش‌ها و بازدیدهای کاربردی و مساعدت در تأمین منابع و تجهیزات لازم



به بازاررسانی

از طریق صنایع روستایی، نهادهای واسط، گروه‌های مردمی و ...

سطح کلان

Contract farming

مواد اولیه خود را با آموزش و ...
منند.

سطح میانی

Broker Dealer Service

س و فروش که با آموزش و ...
محصولات مورد نیاز خود را

سطح خرد

Social Suppliers

ی‌شوند و ضمن توانمندسازی
شبکه‌های خانگی شهری توزیع

کار گروه معیشت و اشتغال



پیوست ۱: مفاهیم بنیادین رستا

همان‌طور که در ابتدای این کتابچه اشاره شد، دیدگاه رستا به مدل مطلوب پیشرفت و آبادانی روستا، واژگان و ادبیات جدیدی را خلق نموده است. فهرست و تعریف این مفاهیم بنیادین به شرح زیر است؛ تسهیل‌گری: تلاش برای رشد و توانمندسازی روستائیان و تقویت بنیان‌های مشارکت عمومی. توسعه‌گری: اقداماتی فراتر از تسهیل‌گری در جهت پیشرفت و آبادانی روستاها نظیر تکمیل یا توسعه زنجیره ارزش محصولات با ایجاد صنایع بالادستی، توسعه بازار، رفع موانع و اصلاح قوانین مرتبط در سطح منطقه‌ای و ملی.

بهبود معیشت: افزایش درآمد و یا کاهش هزینه‌های خانوار.

نرخ اشتغال: نرخ اشتغال برای رستا به معنای تعداد افراد شاغل مبتنی بر یک تعریف مشخص از شغل (فعالیت اقتصادی) نیست، بلکه به معنای مجموع میزان زمانی است که افراد به فعالیت تولیدی اختصاص می‌دهند.

کاروکسب: عبارتی برگرفته از عبارت متداول «کسب‌وکار»؛ واژه‌ای که مبتنی بر فرهنگ ایرانی و دینی، برای «کار» اصالت قائل شده و «کسب» را در درجه دوم قرار می‌دهد. مبتنی بر این باور، کسبی که توأم با کار نباشد شرافت ندارد و از سوی دیگر، صرف فعالیت، حتی اگر به درآمد چشم‌گیری هم منجر نشود، مورد توجه قرار می‌گیرد. رستا بر این باور است که تغییر این واژه به «کسب‌وکار» این نظام اولویت‌بندی را از بین برده و گویی اولویت را به «کسب» می‌دهد.

رسته: کاروکسبی ناظر به یک محصول مشخص است که در همان منطقه جغرافیایی تولید می‌شود. از این رو عناوینی کلی نظیر باغداری و زراعت رسته محسوب نمی‌شود. تولید و فرآوری خرما، سیب، عسل و انگور مصادیقی از رسته هستند.

زنجیره‌ی ارزش: فرآیندی که از تأمین مواد اولیه برای تولید کالا آغاز شده و تا ارائه آن به مصرف‌کننده‌ی نهایی ادامه می‌یابد. «زنجیره» استعاره از گام‌های متصل به هم در این فرآیند است. تحلیل زنجیره‌ی ارزش: بررسی تمامی اقداماتی که در زنجیره ارزش انجام می‌شود به منظور شناسایی مشکلات در هر گام، تعیین گام‌های اولویت‌دار بر اساس اثر بهبود آن‌ها در افزایش بهره‌وری کل زنجیره و پیشنهاد اقداماتی در جهت رفع این مشکلات.

نهاد راهبر استان: جمعی از فعالان اجتماعی-اقتصادی در سطح یک استان، که حسن سابقه همکاری با یکدیگر در قالب یک گروه متشکل را داشته و از تجارب فعالیت در جوامع محلی و روستایی بهره‌مند می‌باشند. این نهاد متولی پیگیری و تحقق مأموریت رستا در سطح استان است. در واقع این نهاد به‌مثابه حلقه‌ی اتصال رستا و روستاها عمل خواهد کرد.

راهبر رستا: در صورتی یک استان فاقد نهاد راهبر استان باشد، زمینه‌سازی برای ایجاد آن در دستور کار قرار می‌گیرد و تا آن زمان تحقق وظایف این نهاد بر عهده فردی به نمایندگی از رستا خواهد بود. این فرد «راهبر رستا» نام دارد؛ فردی مستعد و با انگیزه که توسط ستاد رستا مهارت‌های ارتباطی، دادررداری و طراحی مشارکتی با مردم روستا را آموزش دیده است.

سفیر روستا: فردی بیرونی است که به مسائل عمومی روستا و مدل فعالیت رستا آشنا بوده و با توجه



به شرایط روستا تعیین می‌شود. این نقش سفیر می‌تواند به یک روحانی، معلم و نظایر آن واگذار شود. همچنین این نقش می‌تواند به افراد و یا حتی خانواده‌های داوطلب نیز محول شود. **امین روستا:** فردی از اهالی روستا که دارای مقبولیت عمومی بوده و مدیر، متعهد، پیگیر و آموزش‌پذیر است.

کانون پیشرفت روستا: تشکلی مردمی، کارآمد، اثربخش و هویت‌ساز برای احیا و تقویت مشارکت‌های روستایی در مسیر پیشرفت و آبادانی پایدار روستا.

سند معیشت و اشتغال روستا: برنامه‌ای میان‌مدت برای بهبود وضعیت معیشت و اشتغال در روستا. **نهاد واسط:** یک گروه اقتصادی متشکل و برخوردار از دغدغه‌ها و سوابق فرهنگی-اجتماعی که در قالب همکاری‌های مشترک واسط بین شهر و روستا خواهد بود. این نهاد توزیع‌کننده و فروشنده نهایی فرآورده‌های روستایی است که از قابلیت تأمین مستقیم محصول از روستا برخوردار است. این نهاد همچنین بهینه‌سازی محصولات روستایی از طریق توانمندسازی و تجهیز روستاییان را در دستور کار قرار می‌دهد. از صنایع بزرگ تا بنگاه‌های متوسط و خرد توزیع مواد غذایی سالم و حتی یک خانواده دارای انگیزه می‌توانند در جایگاه نهاد واسط نقش‌آفرینی کنند.

تولید تحت قرارداد: انعقاد قرارداد فروش قطعی میان اهالی روستا و نهاد واسط. بر مبنای آن، روستایی با خیال آسوده و قوت قلب بیشتری محصول خود را تولید می‌نماید. این نوع از قرارداد امکان آموزش روستاییان در جهت تولید محصولاتی با استاندارد مشخص را نیز فراهم می‌سازد. **واره:** نام کهن‌ترین سازمان همیاری روستایی است. در اینجا مراد تعدادی خانوار روستایی است که محصول مشخصی را تولید می‌نمایند.

سروواره: فردی از اهالی روستا که با تعدادی از واروها تعامل داشته و نقش حلقه اتصال آن‌ها با نهاد واسط را ایفا می‌نماید.

هم‌واره: فرد یا خانواده دغدغه‌مند شهری است که به کمک جریان گردشگری اجتماعی، علاوه بر بهره‌گیری از آب و هوا و نان و غذای سالم روستایی، به‌مثابه نهاد واسطی خرد، به کمک یک یا چند خانواده روستایی آمده و به نحوی نقش عامل به شهرسانی محصولات آنان و توزیع در شبکه خانگی را ایفا می‌نماید.

پیوست ۲: انطباق مدل رستا با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

جدول زیر ارتباط اجزای مدل رستا با بندهای مرتبط در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد.

سیاست	ارتباط با مدل رستا
بند ۱: تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.	یکی از آثار اصل «نهادسپاری» در مدل رستا، به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی است. اصل «مردم‌محوری» نیز این مهم را تقویت می‌نماید. توجه به شاخص محرومیت به عنوان شرط لازم انتخاب روستای هدف و تلاش برای بهبود معیشت اهالی آن نیز بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط موثر است.
بند ۳: محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.	آموزش و توانمندسازی اهالی روستا به عنوان عوامل اصلی تولید یکی از برنامه‌های محوری رستا است. قابلیت‌ها و مزیت‌های مناطق نیز یکی از مولفه‌های انتخاب رسته است.
بند ۵: سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.	دو اقدام اساسی رستا بعد از تحلیل زنجیره ارزش عبارتند از: ۱- کاهش واسطه‌های فروش محصولات به منظور افزایش سهم روستا، ۲- اولویت‌دهی به روستا در فرآیند توسعه زنجیره ارزش
بند ۷: تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).	«تامین امنیت غذایی» یکی از مولفه‌های مهم در انتخاب رسته در روستا است.
بند ۸: مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.	«حذف هزینه‌های زائد از سبد خانوار» یکی از سه سیاست اصلی در راستای بهبود معیشت اهالی روستا است.
بند ۲۰: تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.	جایگزینی عبارت کسب‌وکار با عبارت «کاروکسب» در ادبیات رستا، با هدف ترویج فرهنگ کار و اصالت‌بخشیدن به آن در برابر کسب، مورد توجه قرار گرفت.



همچنین مقام معظم رهبری بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در روز نخست فروردین ۹۳ به تبیین ابعاد «اقتصاد مقاومتی» پرداختند. ایشان برای اقتصاد مقاومتی ۵ مولفه اساسی برشمرند. مدل فعالیت رستا با این مولفه‌ها نیز سازگار است. در ادامه این سازگاری تبیین خواهد شد.

ارتباط با مدل رستا	مولفه‌های اقتصاد مقاومتی در کلام مقام معظم رهبری
<p>درون‌زایی اقتصاد در نگاه ایشان یعنی اقتصاد از درون خود ملت و متکی به ظرفیت‌های کشور شکل بگیرد. دیدگاه فوق‌اولا سازگار با مجموعه‌ای از اجرای رستا سازگار است؛ ۱- مولفه‌ی «خوداتکایی» در چشم‌انداز رستا برای روستا، ۲- تکیه بر اصل مردم‌محوری و ایجاد نهادی اجتماعی در سطح روستا به منظور حرکت پایدار روستا به سمت پیشرفت، ۳- انتخاب رسته‌ی هدف مبتنی ظرفیت‌های بومی روستا.</p>	درون‌زایی
<p>این مولفه در نگاه ایشان در مقابل مولفه‌ی «درون‌گرایی» و محدود شدن به مرزهای کشور است. تجلی این مولفه در مدل رستا، تلاش برای افزایش تولیدات روستا، تثبیت روستا به عنوان قطب تولید و افزایش صادرات محصول روستا به خارج از روستا است.</p>	برون‌گرایی
<p>مراد از این مولفه در دیدگاه ایشان، حضور پرننگ و محوری مردم و نقش نظارتی و راهبردی کلی دولت است. این مولفه کاملاً سازگار با اصل بنیادین «مردم‌محوری» در مدل رستا است؛ اینکه مردم روستا از طراحی تا اجرا مشارکت فعال و موثر دارند و این باور که پیشرفت و آبادانی پایدار روستا جز با حضور پرننگ مردم رقم نمی‌خورد.</p>	مردم‌بنیادی
<p>معنای این مولفه بهره‌برداری از پیشرفت‌های علمی در اقتصاد است و به این معنا نیست که اقتصاد منجر به دانشمندان است. این مولفه در مدل رستا در بهبود و توسعه زنجیره ارزش رسته‌ها متجلی شده است. تحلیل زنجیره ارزش به منظور بهره‌ورسازی آن و توسعه زنجیره ارزش به کمک فرآوری محصولات روستایی، دو اقدام محوری در رستا است که تحقق آن‌ها جز با تکیه بر علم و دانش ممکن نیست.</p>	دانش‌بنیانی
<p>معنای این مولفه، بسنده نکردن به شاخص‌های متداول جهانی (نظیر رشد تولید ناخالص ملی) برای بهبود وضعیت اقتصادی است؛ اینکه ممکن است این شاخص‌ها در اقتصاد بهبود یابد اما افرادی نیز از گرسنگی تلف شوند. در مدل رستا نیز، علاوه بر آبادانی کلی روستا، بهبود معیشت تمامی خانوار آن روستا نیز مطمع نظر است.</p>	عدالت‌محوری



پیوست ۳: مؤلفه‌های انتخاب روستای هدف

واحد هدف رستا، روستا است. تمرکز بر روستا و عدم برنامه‌ریزی بر مبنای واحدهای بزرگ‌تری نظیر دهستان یا بخش با این منطق است که واحدهای بزرگ‌تر از روستا عملاً یک پهنه سیاسی است. در حالی که محدوده روستا به صورت کاملاً اصیل بر مبنای محدوده سکونت افراد مشخص شده است. به دو دلیل برنامه‌ها با تعداد محدودی از روستاهای یک دهستان آغاز می‌شود و نه همه روستاهای آن؛ الف) شروع محدود قبل از پوشش گسترده، امکان اجرای تدریجی و اصلاح برنامه‌ها را فراهم می‌سازد.

ب) اجرا در سطح تعداد محدودی روستا باعث حساس‌سازی روستاهای هم‌جوار شده، نوعی احساس اعتماد در آن‌ها ایجاد می‌نماید و به سرعت آن‌ها را وارد مرحله درخواست می‌کند. فرآیند حساس‌سازی تا رسیدن به مرحله درخواست اگر به‌طور عادی طی شود، دشوارترین و پیچیده‌ترین بخش آغازین عملیات خواهد بود که با اجرای نمونه در روستای هدف، این مرحله برای دیگر روستاها با سرعت بیشتر و به صورت خودجوش طی می‌شود. در صورتی که روستاهای هم‌جوار به صورت خودجوش در مقام متقاضی قرار بگیرند، امکان تعیین شرط و قاعده‌گذاری برای آن‌ها فراهم می‌شود. از این رهگذر می‌توان به مرور، تحقق بخش قابل توجهی از اقدامات توسط مردم را به عنوان شرط ورود به روستای متقاضی تعیین کرد و از این مسیر مشارکت بیشتری آنان را رقم زد.

اهمیت «انتخاب» روستای هدف از آن رو است که موفقیت و یا شکست برنامه‌های قرارگاه در «اولین» روستاهای هدف، آثار بلندمدت و پدیده‌های دارد؛ شکست برنامه‌ها می‌تواند موجب بدبینی اهالی آن روستا و روستاهای هم‌جوار شود و چه‌بسا تکرار شکست بتواند این بدبینی را در سطح استان و حتی در سطح کشور تکثیر نماید، در مقابل نیز موفقیت برنامه‌ها می‌تواند موجبات امیدواری روستاهای هم‌جوار را فراهم سازد و انعکاس ملی آن نتایج می‌تواند آثار چشمگیری بر جای گذارد.

با توجه به اهمیت اولین روستا، به طور کلی می‌توان گفت که روستای هدف برای شروع می‌بایست برخوردار از شرایط مساعد، نزدیک به حالت مطلوب و فاقد عوامل ایجادکننده اختلال باشد. با این چارچوب کلی و توجه به مؤلفه‌ی «محرومیت» به عنوان شرط لازم، روستای هدف مبتنی بر مقایسه میان روستاهای یک دهستان در مجموعه شاخص‌های زیر انتخاب می‌شود.

۱. یاری‌گری: مراد از یاری‌گری، میزان ظرفیت و روحیه مردم روستا برای هم‌یاری است. برخوردار مردم از روستا از سطح مناسبی از این شاخص به معنای مساعد بودن وضعیت آن‌ها برای ایجاد تغییر و تعالی در روستا است. وجود نهادهای اجتماعی نظیر هیئت، تعاونی و صندوق‌های مالی در روستا یکی از عینی‌ترین شواهد برای تعیین وضعیت این شاخص است.

عامل محوری تعالی بخش: ارتقا وضعیت روستا علاوه بر هم‌یاری، نیازمند عاملی محوری است که بتواند مردم روستا را به صورت منسجم ساماندهی نماید. این عامل می‌تواند روحانی، معلم، ریش‌سفید روستا و نظیر آن‌ها باشد.

۲. هم‌بستگی: به دلیل اختلالی که عواملی نظیر درگیری‌های مذهبی، سیاسی، قومی و قبیله‌ای و امثالهم در فرآیند حرکت ایجاد می‌نمایند، ضروری است روستای هدف فاقد این حواشی بوده و از هم‌بستگی مناسبی برخوردار باشد.



۳. **جوانان و نیروی فعال اقتصادی:** با توجه به نقش چشم‌گیر نیروی انسانی در توسعه و بهبود وضعیت روستاها، بر خورداری روستا از جوانان و نیروها فعال اقتصادی اهمیت به سزایی می‌یابد.

۴. **تعمیم‌پذیری شرایط روستا به کل دهستان:** منظور از قابلیت تعمیم آن است که به‌طور مثال اگر برنامه اقدام در سطح روستا آموزش و بهسازی دام برای مجموعه‌ای از افراد شناسایی شد، این برنامه در سطح دهستان نیز تفاوت چندانی نکند و فقط تعداد مخاطبان آن افزایش پیدا کند. این ویژگی توسعه برنامه‌ها از سطح روستا به دهستان را تسهیل می‌نماید.

۵. **اثرگذاری بر روستاهای هم‌جوار (اثر شبکه‌ای):** مناسب است شرایطی بر روستای هدف حاکم باشد که توسعه آن بتواند بر توسعه دیگر روستاها نیز با سرعت مناسبی اثر بگذارد. این مهم می‌تواند برآمده از مبادلات اقتصادی و اجتماعی روستای هدف با روستاهای هم‌جوار و یا دسترسی مناسب روستاها به آن و به نوعی قابلیت ایفای نقش الگو در روستای هدف باشد.

۶. **زیرساخت:** دسترسی روستا به امکانات و زیرساخت‌های اساسی توسعه نظیر راه، برق و آب کشاورزی به عنوان شرط لازم توسعه در انتخاب روستای هدف نقش مؤثری ایفا می‌نماید.

۷. **اتصال تولیدات به بازار بیرونی:** ارتقاء قابل توجه روستا در گرو فرا رفتن آن از تأمین معیشت اهالی خود و تمرکز بر صادرات محصولات و خدمات به بیرون از خود دارد. بر این اساس وجود تولیدات دارای مزیت رقابتی مناسب در روستا شاخص مهمی در انتخاب آن به عنوان روستای هدف به شمار می‌رود.

۸. **خودکفایی روستا در تولید:** توسعه تولیدات اصلی روستا در گروه تسلط کامل اهالی به آن و به نوعی خودکفایی روستا در تمامی فرآیند تولید آن است. از این رو، توجه به تمامی فرآیند در روستا و یا حداقل امکان خودکفاسازی و توسعه روستا در فرآیند تولید مورد توجه قرار می‌گیرد.

پیوست ۴: مؤلفه‌های انتخاب رسته

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، منظور از رسته، کاروکسبی ناظر به یک محصول مشخص است که در همان منطقه جغرافیایی تولید می‌شود. بر این اساس عناوینی کلی نظیر باغداری و زراعت رسته محسوب نمی‌شود. تولید و فراوری خرما، سیب، عسل و انگور مصادیقی از رسته هستند. با توجه به این توضیحات، رسته‌های هدف در یک روستا مبتنی بر باهم‌نگری مؤلفه‌های زیر تعیین می‌شود:

۱. فراگیری: اهمیت فراگیری رسته در میان اهالی از این رو است که توسعه آن می‌تواند بخش بیشتری از اهالی روستا را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین فراگیر بودن رسته عملاً به معنای سازگاری محصول با منطقه (اگر محصول کشاورزی باشد)، حجم تولید قابل قبول آن در روستا و نیز آشنایی مناسب مردم با فرآیند تولید آن است که همه این موارد در اقتصادی بودن تولید محصول مؤثر است. لازم به ذکر است که فراگیر بودن رسته به طرق گوناگون قابل احصاء است؛

الف) گستره ارتباط شغلی و معیشتی اهالی روستا با محصول؛ این وضعیت ساده‌ترین شرط برای تعیین رسته فراگیر است. این شرایط نشان می‌دهد که منابع و مزیت‌ها به گونه بوده که در طی زمان کاروکسب مناسبی حول محصول مرود نظر شکل گرفته است. به‌طور مثال در سیستان و بلوچستان بخش عمده اهالی نخل داشته و خرما برداشت می‌کنند. این مورد به سهولت به عنوان رسته شناسایی می‌شود.

ب) توانایی و تجر مردم روستا در تولید محصول؛ نکته حائز اهمیت در این بخش آن است که شاید در لحظه ورود رستا به روستا، به دلایل مختلف محصول برآمده از توانایی مردم تولید نشده و بروز عینی نداشته باشد، اما به افراد این توانایی را داشته باشند. در واقع این رسته به نوعی بالقوه باشد. به‌طور مثال در استان تبریز، خوزستان و کردستان اغلب اهالی روستاها با صنایع دستی آشنایی دارند اما به دلیل فقدان بازار فروش، صنایع دستی به عنوان فعالیت شغلی آن‌ها محسوب نمی‌شود. با این توضیحات در این استان‌ها صنایع دستی می‌تواند یکی از گزینه‌های انتخاب به عنوان رسته هدف باشد. ج) فراوانی طبیعی محصول در منطقه؛ ممکن است در برخی مناطق محصولی به صورت طبیعی یافت می‌شود که به دلایل مختلف مورد توجه اهالی قرار نگرفته باشد. فراوانی این محصول می‌تواند عاملی برای انتخاب آن به عنوان گزینه رسته هدف باشد. به‌طور مثال وجود مواد معدنی خاص در یک روستا می‌تواند این ویژگی را داشته باشد که به دلیل عدم شناخت اهالی مورد غفلت واقع شده باشد. لازم به ذکر است که این انتخاب صرفاً با توجه به فراوانی ظاهری صورت نمی‌گیرد. به‌طور مثال اگر در سال ورود ما به یک روستا همه اهالی سیب‌زمینی کشت کنند، این به معنای این نیست که رسته هدف آن روستا سیب‌زمینی باشد؛ چه‌بسا با پرس‌وجو مشخص شود که سال گذشته محصول دیگری کشت کرده‌اند و سال بعد نیز محصول دیگری کشت خواهند کرد. بر این اساس مهارت قابل توسعه مردم این روستا کشاورزی خواهد بود و نه کشت سیب‌زمینی. بر این اساس می‌توان گفت در این انتخاب، ریشه‌های اصلی کسب‌وکار مد نظر قرار می‌گیرد.

۲. مزیت نسبی: در صورتی که رسته‌ی هدف علاوه بر فراگیری، در مقایسه با سایر روستاها و مناطق منحصراً به فرد باشد، این رسته می‌تواند به نوعی مزیت نسبی روستای هدف باشد و توجه خردمندان



به آن می‌تواند عاملی برای رقابت‌پذیری منطقه باشد.

۳. وجود بازارهای در دسترس برای رسته: مهم‌ترین عامل برای توسعه رسته، وجود بازار فروش برای آن است. بر این اساس یکی از شاخص‌های انتخاب رسته، وجود بازار فروش و سهولت نسبی فروش آن است.

۴. تأثیر توسعه رسته بر توسعه سایر رسته‌های روستا: اینکه توسعه یک رسته بتواند بر توسعه سایر مشاغل منطقه اثرگذار باشد عاملی مزیت بخش برای انتخاب از میان دو رسته با شرایط یکسان است. به‌طور مثال در کردستان چندین رسته فعال است؛ توت‌فرنگی، گردشگری، حمل‌ونقل و لجستیک. در این بین رسته حمل‌ونقل با توجه به نقشی که بر دیگر رسته‌ها دارد می‌تواند مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع بهبود این رسته می‌تواند بر بهبود عملکرد دیگر رسته‌ها نیز اثرگذار باشد. در مقابل اگر در یک منطقه تولید قطعات خودرو انجام شود، توسعه آن تأثیر ویژه‌ای بر سایر بخش‌های اقتصاد منطقه نخواهد داشت.

۵. آینده رسته: پایداری اقدامات در بلندمدت مؤلفه جدایی‌ناپذیر در برنامه‌ریزی هاست. با توجه به اینکه ممکن است به دلایل مختلف یک رسته شغلی و محصول متناظر با آن در سال‌های آینده مورد اقبال نباشد و توسعه آن به صرفه نباشد. در صورت تشخیص این شرایط، رسته‌های دارای این ویژگی به عنوان رسته هدف انتخاب نخواهد شد.

۶. ارتباط رسته با تولید و امنیت غذایی: نقش روستا در تولید کشور و تأمین امنیت غذایی انکار شدنی نیست. تأمین امنیت غذایی نیز یکی از اصول اساسی اداره کشور است. بر این اساس در انتخاب رسته شغلی این حساسیت وجود دارد که تا حد امکان نقش تولیدکنندگی روستا حفظ گردد. به‌طور مثال در صورتی که در یک روستا بوم‌گردی از تولید میوه کمی مزیت بیشتری داشت، گزینه تولید میوه به راحتی حذف نمی‌شود. تلاش می‌شود ضمن حفظ مزیت تولید در این روستا، در ادامه مسیر به بوم‌گردی نیز پرداخته شود.

۷. ارتباط رسته با بوم، فرهنگ و محیط‌زیست: در انتخاب رسته می‌بایست به سازگاری آن با فرهنگ و بوم روستا توجه کرد. محصولاتی که سابقه طولانی مدت تولید در آن منطقه را دارند به نحوی با فرهنگ آن‌ها آمیخته شده و چه‌بسا برای آن شعرهایی نیز سروده باشند. این سازگاری، عامل اصلی پایداری آن رسته در ادامه خواهد بود. به‌طور مثال اگر در سواحل مکرون، مالچ میگو تولید می‌شود، این محصول اگر چه مبتنی بر نوآوری‌های روز است اما بر پایه میگو است که وجود آن در این سواحل قدمت دارد. بر این اساس به دنبال رسته تأسیسی زرفتن بسیار اولویت دارد. عدم تخریب محیط‌زیست به واسطه توسعه رسته نیز اصلی کاملاً بدیهی در جهت تقویت استمرار رسته هدف است.

۸. قابلیت اتصال مشاغل خانگی به زنجیره ارزش رسته: مشاغل خانگی ویژگی‌های بسیاری دارد که توسعه آن را مطلوب می‌نمایاند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به هزینه پایین ایجاد مشاغل خانگی در مقابل هزینه بالای ایجاد زیرساخت برای احداث واحد تولیدی، تأثیرپذیری کمتر آن از تکانه‌های اقتصادی، فقدان چالش‌های اولیه اداره آن نظیر بیمه و توسعه فرهنگ کار در خانواده اشاره کرد.

بر این اساس امکان انجام بخشی از زنجیر ارزش رسته در قالب مشاغل خانگی یکی از مزیت‌های رسته به شمار می‌رود. با این وجود باید توجه داشت که اگر مشاغل خانگی به یک واحد بزرگ‌تر پیشران (زنجیره فرادست) متصل نباشند، عملاً قادر به تولید محصول کیفی و رقابت‌پذیر نخواهند بود و این امر استمرار فعالیت و توسعه آن‌ها را با چالش مواجه می‌سازد.

۹. اثرگذاری بر اشتغال اقشار آسیب‌پذیر: توانایی رسته هدف برای پوشش جمعیت مناسبی از اقشار آسیب‌پذیر نظیر زنان سرپرست خانوار، معلولین یا حتی جوانان تازه وارد به بازار کار می‌تواند عاملی برای انتخاب آن قلمداد شود.

تبصره: در صورتی که روستای هدف وضعیت بسیار نامطلوبی داشته و فاقد هر گونه مزیت تولید بومی باشد، ناگزیر خواهیم بود به جای انتخاب رسته به «ایجاد» رسته بیاندیشیم. مراد از ایجاد رسته یعنی اینکه فارغ از شرایط روستا، محصولی که بازار فروش آن تا حد خوبی تضمینی باشد را شناسایی کرده و زیرساخت‌های حداقلی لازم برای تولید آن در روستای هدف را فراهم می‌آوریم.



پیوست ۵: آیین نامه اجرایی نهاد واسط

تعریف

یک گروه اقتصادی متشکل و برخوردار از دغدغه‌ها و سوابق فرهنگی- اجتماعی که در قالب همکاری‌های مشترک واسط بین شهر و روستا خواهد بود.

شرایط نهاد واسط

- سابقه همکاری گروه اصلی اجرایی نهاد واسط حداقل به مدت ۲ سال و تجربه انجام کسب و کار مشترک حداقل به مدت ۱ سال
- سوابق اقتصادی و اجتماعی مرتبط (مسئول گروه حداقل به مدت ۵ سال و اعضای گروه هر کدام حداقل به مدت ۳ سال)
- سابقه موفق تأمین، فرآوری، توزیع و یا فروش حداقل ۲ محصول
- دارای سامانه و استراتژی مشخص در بازار
- دارای اسناد و سیستم مالی و حسابداری شفاف
- برخوردار از چشم‌انداز و برنامه توسعه کسب و کار مشخص
- دارای زیرساخت و منابع انسانی لازم برای تأمین مستقیم محصول از روستا
- دارای شناخت و اطلاعات اولیه از اقتضات و شرایط کار در روستا و مناطق محروم
- بهره‌مند از زیرساخت و ظرفیت‌های لازم برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی، اعتمادسازی و توانمندسازی در روستا
- دارای فهم و تحلیل درست از جایگاه خود به عنوان نهاد واسط، نگاه بلندمدت به این جایگاه و درک منافع مشترک بالفعل و بالقوه حاصل از این همکاری
- آشنایی با روش‌های کسب و کار و بازاریابی‌های اجتماعی

سازوکار همکاری

پس از احراز شرایط نهاد واسط توسط نهاد راهبر استان، مسئولیت انجام فرآیندهای شناسایی اولیه، اعتمادسازی، توانمندسازی، شبکه‌سازی و به بازاریابی محصولات در محدوده دهستان‌ها و روستاهای مشخص در قالب یک توافق نامه به او واگذار خواهد شد.

این توافق نامه با فرض حمایت‌های اولیه از نهاد واسط به منظور توسعه زیرساخت‌های فروش و تأمین برای مدت مشخص است به نحوی که این هزینه‌ها در آینده، از زنجیره ارزش این فرآیند بدون نیاز به حمایت رستا، برای نهاد تأمین شود.

مسئولیت نظارت به حسن عملکرد نهادهای واسط در قالب توافق نامه به عهده نهاد راهبر استان و نظارت عالی به عهده ستاد ملی رستا خواهد بود.

به منظور تأمین هزینه‌های توسعه زیرساخت توزیع و تأمین نهاد و همچنین سرمایه‌ی در گردش لازم، عنداللزوم اعطای وام‌های قرض‌الحسنه به نهاد واسط نیز توسط نهاد راهبر استان پیگیری خواهد شد.

شرح خدمات

نهاد واسط در قالب گام‌ها و مراحل زیر متعهد به تأمین بازارهای پایدار و خلق ارزش‌های جدید در زنجیره برای محصولات روستایی خواهد بود به نحوی که با بهبود معیشت و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی، امید و میل به زندگی در روستا افزایش یابد.

- انجام بررسی‌ها و جمع‌آوری اطلاعات میدانی مورد نیاز در روستاها باهدف بازبینی شناسایی انجام شده توسط نهاد راهبر استان و افزایش دقت اطلاعات در خصوص وضعیت فعلی روستاها، شامل میزان و کیفیت محصولات؛ مسیر بازار و تأمین نهاده‌های اولیه آن (شناسایی)

- بررسی مجدد تحلیل و ارزیابی نهاد راهبر استان از زنجیره ارزش محصولات در روستاها و نقاط مداخله تعیین شده برای خلق ارزش‌های جدید در زنجیره تولید، تأمین، فرآوری، توزیع، فروش و کاهش هزینه‌های تولید (برنامه اقدام)

- اعتمادسازی در روستا با شناسایی و برقراری تعامل با افراد ذی‌نفع و مؤثر در روستا (اعتمادسازی)

- ارائه خدمات لازم برای تحقق برنامه اقدام شامل: آموزش، بازدید، توانمندسازی، تجهیز و... (توانمندسازی)

- استانداردسازی محصولات بر اساس اقتضات بازار و ایجاد سازوکار لازم برای پایش مستمر کیفیت و اصالت محصولات (کنترل کیفی)

- بازاریابی و تبلیغات به منظور پیش‌فروش و یا فروش محصولات با استفاده بهینه از ظرفیت‌های بازاریابی اجتماعی، نظیر: سلامت، اصالت، حمایت و... (بازاریابی)

- عقد قراردادهای خرید تضمینی، پیش‌پرداخت و به بازاریابی محصولات روستایی (بازاررسانی)

- برنامه‌ریزی مستمر برای رقابتی‌تر نمودن قیمت‌های فروش محصولات در بازار و افزایش سهم‌بری روستاییان از زنجیره ارزش

- پایدارسازی فرآیندهای فوق با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های محلی، شبکه‌سازی‌های شغلی و تعیین و توانمندسازی افراد واجد شرایط در شبکه‌های روستایی به عنوان سرشبکه (سر «واره»)

تعهدات

- برنامه‌ریزی ویژه برای نوجوانان و جوانان روستاها در برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی

- انجام هماهنگی‌های لازم با دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با رسته‌های تخصصی و یا روستایی به منظور استفاده حداکثری از سایر ظرفیت‌های موجود برای توسعه و پایداری بیشتر زنجیره‌های محصولات

- قیمت‌گذاری منصفانه محصولات روستایی در بازار به منظور توسعه و فروش شامل هزینه‌ی تمام شده‌ی محصول در روستا (قیمت خرید نهاد واسط از روستایی) بعلاوه حداکثر ۳۰ درصد به منظور پوشش کلیه هزینه‌های نهاد واسط

۱. «واره» نام کهن‌ترین سازمان همیاری روستایی است. مراد از سر واره، افرادی از خود اهالی است که با تعدادی از واره‌ها تعامل داشته و حلقه اتصال نهاد واسط با واره‌ها به شمار می‌روند.

پیوست ۶: آیین نامه اجرایی نهاد راهبر استان

تعریف

جمعی از فعالان اجتماعی، که حسن سابقه همکاری با یکدیگر در قالب یک گروه متشکل، را داشته و از تجارب فعالیت در جوامع محلی و روستایی بهره‌مند می‌باشند. این نهاد می‌بایست علاوه بر همکاری با رستا، به صورت مستقل نیز قراردادهای ارائه خدمات تخصصی توسعه جوامع محلی با دیگر دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط منعقد کرده و در مسیر خودگردانی اقتصادی گام بردارد.

شرایط نهادهای همکار

- سوابق فرهنگی و اجتماعی مسئول و اعضای گروه در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی (مسئول گروه حداقل ۵ سال و اعضاء حداقل ۳ سال سابقه مرتبط)
- وجود حسن سابقه همکاری بین اعضاء اصلی گروه حداقل برای مدت یک سال
- بهره‌مندی از تجارب و سوابق لازم و همچنین شناخت کامل اقتضات کار و فعالیت در روستا و مناطق محروم
- دارای توان و تجربه لازم برای انجام مطالعات، آموزش، شبکه‌سازی و توانمندسازی در روستا
- برخوردار از ظرفیت‌های مناسب برای تعامل و برقراری ارتباط مؤثر با دستگاه‌ها، سازمان‌ها، خیرین و کلیه ذی‌نفعان حوزه‌های مرتبط با روستا و مناطق محروم

سازوکار همکاری

در صورت احراز شرایط پنج‌گانه‌ی فوق بر یک موسسه، شرکت و یا یک گروه کاری منسجم، قرارداد همکاری به صورت خرید خدمات (قرارداد حجمی) با نهاد مذکور منعقد خواهد شد و پس از انجام هر مرحله از تعهدات توسط نهاد و تأیید ناظر مربوطه، حق‌الزحمه آن بخش از خدمات، مستقیماً در وجه نهاد پرداخت خواهد گردید.

تبصره ۱: بیست درصد از مبلغ کل قرارداد به عنوان پیش‌پرداخت و به منظور تأمین زیرساخت‌های لازم پس از میدانه قرارداد در وجه نهاد پرداخت خواهد شد.

تبصره ۲: تأمین دفتر کار، تهیه تجهیزات لازم، وسیله نقلیه، بیمه مسئولیت، مسائل مربوط به حقوق و مزایای کارکنان و امور بیمه و دارایی، به‌طور کامل به عهده‌ی نهاد همکار خواهد بود.

شرح خدمات

نهاد راهبر استان دو وظیفه عمده بر عهده دارد؛ الف) ایجاد کانون پیشرفت روستا و ب) شناسایی نهادهای واسط و اتصال آنان با کارو کسب‌های روستایی. در مسیر تحقق وظیفه الف اقدامات زیر انتظار می‌رود؛

شناسایی اولیه روستای هدف: انجام مطالعات و بررسی‌های اجمالی در خصوص روستای هدف. این اطلاعات در تعیین سفیر روستا نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

سازمان دهی: شناسایی، آموزش و اعزام «سفیران روستا» به منظور شناسایی «امین (با امان) روستا» برنامه‌ریزی: مطالعه و تدوین «سند معیشت و اشتغال روستا» شامل اقدامات لازم برای کاهش هزینه‌های خانوار، افزایش درآمد و ایجاد فرصت‌های شغلی مولد و پایدار. این سند با محوریت امین روستا، پشتیبانی نهاد راهبر استان و با مشارکت کامل مردم روستا تدوین می‌شود. پیاده‌سازی: پیگیری تحقق و پیاده‌سازی مفاد سند معیشت و اشتغال روستا. از جمله اقدامات پشتیبانی نهاد راهبر استان، افزایش سطح مطالبه‌گری روستایی و راهنمایی مردم به سمت منابع حاکمیتی و مردمی است.

نهادسازی و پایدارسازی: شناسایی افراد فعال و محوری برای شکل‌گیری کانون پیشرفت روستا از میان اهالی و ایجاد آن

در مسیر تحقق وظیفه ب نیز ضروری است اقدامات زیر محقق شود؛

- شناسایی بنگاه‌های متوسط و بزرگ که قادر به ایفای نقش «نهاد واسط» باشند.

- شناسایی و توسعه «هم‌واره»ها و آموزش و توانمندسازی آنان



۱. سفیر روستا فردی بیرونی و از فعالان اجتماعی - اقتصادی است که به مسائل عمومی روستا و مدل فعالیت روستا آشنا بوده، با آشنا به مهارت‌های تسهیل‌گری است و قابلیت شناسایی کنشگران فعال و مؤثر روستایی، متشکل نمودن آنان، کار سپاری جمعی و کارخواهی از آنان را دارا است.

۲. فردی از اهالی روستا است که دارای مقبولیت عمومی بوده و مدیر، متعهد، پیگیر و آموزش‌پذیر باشد.

۳. برنامه‌ای میان‌مدت برای بهبود وضعیت معیشت و اشتغال در روستا

۴. جزئیات این نهاد به پیوست آمده است.

۵. جزئیات این نهاد به پیوست آمده است.

پیوست ۷: آیین نامه اجرایی کانون پیشرفت روستا

تعریف

تشکیلی مردمی، کارآمد، اثربخش و هویت‌ساز برای احیا و تقویت مشارکت‌های روستایی در مسیر پیشرفت و آبادانی پایدار روستا

سازوکار شکل‌گیری

وضعیت نابسامان و آسیب‌دیده بن‌مایه‌های اعتماد، تعاون و امید در غالب روستاهای کشور، اقتضا می‌کند که با پرهیز جدی از نهادسازی‌های فوری و سفارشی، به کمک قاعده‌گذاری‌های تحریک‌آمیز و گذرا نظیر جمع‌سازی‌های صندوقی و اقتصادی، در فرآیندی تدریجی و طبیعی با محوریت امین یا امناء محلی، مشارکت آگاهانه و مؤثر مردمی و پشتیبانی هوشمند و به‌هنگام بیرونی، موضوع شکل‌گیری کانون‌های پیشرفت با انجام مراحل زیر پیگیری گردد.

شناسایی امین: فردی دارای مقبولیت عمومی، مدیر، متعهد، پیگیر و آموزش‌پذیر از اهالی روستا این شناسایی توسط سفیران روستا که واسطه‌های راهبر استان با روستاها می‌باشند انجام خواهد شد. دهیار روستا در صورت احراز شرایط، گزینه ایده‌آلی است چرا که از مزیت مقبولیت نسبی و جایگاه رسمی نیز برخوردار است.

در صورتی که شرایط فرهنگی و قومی روستا به نحوی باشد که یک امین نتواند تمامی روستا را نمایندگی نماید، دو یا حداکثر سه نفر به عنوان امناء روستا انتخاب خواهند شد.

اعتلای امین: فرآیند رشد و تعالی امین به منظور نقش‌آفرینی‌های تأثیرگذار در روستا مسئولیت برنامه‌ریزی، پیگیری و پیاده‌سازی فعالیت‌های آموزشی به عهده سفیر روستا و نهاد راهبر استان خواهد بود که با پشتیبانی‌های محتوایی و اجرایی ستاد ملی انجام خواهد شد.

محورهای آموزشی شامل: مهارت‌های کاربردی در حوزه‌های ارتباطات پویا، کار تیمی، برنامه‌ریزی، طراحی اسناد توسعه و آشنایی با ظرفیت‌های قوانین و دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با روستا در کشور

حتی‌الامکان دوره‌ها و اردوهای آموزشی بدون ایجاد حساسیت در روستا و در بیرون از روستا برگزار خواهد شد و امین یا امناء روستا هم در این مرحله از انتقال اخبار و محتویات دوره‌ها به روستاییان محترم پرهیز خواهد نمود.

اعزام امین: در صورت احراز شرایط و ویژگی‌های لازم توسط امین که در حین برگزاری آموزش‌ها و کارآموزی‌ها بررسی شده است فعالیت وی در روستا آغاز خواهد شد.

هرگونه معارفه رسمی یا غیررسمی امین در روستا به‌شدت از کارایی و اثربخشی وی خواهد کاست لذا آغاز فعالیت وی بدون هیچ‌گونه تشریفات خاصی انجام خواهد شد.

نهادسازی روستایی: به منظور احیای آرام و نرم اعتماد، تعاون و امید در روستا، اقداماتی الهام‌بخش و زودبازده در روستا با مشارکت مردم توسط امین آغاز خواهد شد. اصلی‌ترین اقدام، تدوین مشارکتی‌سند معیشت و اشتغال روستا و تلاش برای پیاده‌سازی آن است.



برنامه‌ریزی: به عنوان اولین اقدام جمعی در روستا، موضوع جمع‌آوری اطلاعات، برنامه‌ریزی و طراحی مشارکتی اولین سند معیشت و اشتغال روستا با محوریت امین روستا، مشارکت مؤثر اهالی و پشتیبانی فنی و تخصصی سفیر، نهاد راهبر استان و ستاد روستا انجام خواهد شد.

هنوز در این مرحله ضرورتی در تشکیل نهاد روستایی یا کانون پیشرفت وجود ندارد و امور مربوط به تنظیم سند کاملاً غیررسمی و یا با استفاده از ظرفیت‌های عمومی و مردمی و یا ساختارهای موجود در روستا نظیر: شورا، هیئت و... انجام خواهد شد.

پشتیبانی‌های فنی و تخصصی ستادی صرفاً با درخواست و مطالبه‌ی امین به نمایندگی از مردم روستا ارائه خواهد شد.

تعهدات به منظور تحقیق‌پذیری و تنظیم سریعتر، برنامه اول به عنوان یک سند کوتاه‌مدت حداکثر یک‌ساله و یا میان‌مدت حداکثر سه‌ساله تهیه و تنظیم شود.

پیاده‌سازی: پس از پایان مرحله برنامه‌ریزی و تهیه اولین سند توسط اهالی روستا نوبت به پیاده‌سازی مفاد سند؛ مجدداً با محوریت امین روستا، تقسیم‌کار و مشارکت اهالی روستا و هدایت و پشتیبانی ستادی روستا خواهد رسید.

در این مرحله کم‌کم با تقسیم‌کار در میان اهالی برای پیگیری تحقق مفاد سند روستا، زمینه شکل‌گیری یک تشکیلات کارآمد روستایی یعنی همان «کانون پیشرفت روستا» اتفاق خواهد افتاد ولی هنوز ضرورتی بر اعلام رسمی یا تأسیس علنی آن وجود ندارد.

نقش هدایت و پشتیبانی سفیر و نهاد راهبر استان مجدداً بر اساس مطالبه روستا و در حد معرفی ظرفیت‌های موجود به هم‌رسانی، مطالبه‌گری، جریان‌سازی رسانه‌ای خواهد بود.

تشکیل هسته مرکزی و ایجاد کانون پیشرفت روستا؛ با تحقق مراحل فوق، رفته‌رفته افراد محوری و مصمم برای مشارکت در فرآیند پیشرفت و آبادانی روستا شناسایی شده و تجربه تدوین مشترک سند و اجرای بخش‌هایی از آن نیز وجوهی از فواید کار جمعی و مشارکتی را آشکار نموده است. در این شرایط می‌توان شکل‌گیری رسمی کانون را در دستور کار قرار داد.

ساختار

اعضاء کانون: تمامی اهالی روستا و دلسوزان روستا با تکمیل فرم و دریافت کارت عضویت می‌توانند به عضویت کانون درآیند.

هیئت‌امنا: جمعی از معتمدین و فعالان روستایی به انتخاب امین روستا و مساعدت سفیر روستا با ترکیب جمعی از ریش‌سفیدان، خبرگان و نخبگان و جوانان و زنان تأثیرگذار روستا.

دبیر هیئت‌امنا: از میان اعضای هیئت‌امنا برای مدت ۲ سال انتخاب شده و وظیفه تشکیل جلسات و پیگیری مصوبات هیئت‌امنا را خواهد داشت.

مسئول کانون: امین کانون تا زمانی که از مقبولیت امنا برخوردار بوده و زمان کافی به اختصاص دهد، مسئولیت کانون را عهده‌دار خواهد بود. در غیر این صورت با اتفاق نظر امنا، فرد واجد شرایط دیگری جایگزین وی خواهد شد.

وظایف

این کانون متولی اصلی آبادانی و پیشرفت روستا است. اهم اقداماتی که این کانون میتواند محقق سازد به این شرح است؛

- تهیه و پیگیری تحقق «سند معیشت و اشتغال روستا»
- احیای هویت و اصالت‌های روستا^۱
- ایجاد «صندوق پیشرفت روستایی»^۲ به منظور اعطای وام قرض‌الحسنه به اهالی و تأمین اعتبار اقدامات زیرساختی روستا
- اصلاح فرهنگ مصرفی روستا در جهت حذف هزینه‌های زائد از سبد خانوار روستایی
- جلب حمایت‌های مردمی و مساعدت‌های خیرین
- جذب حمایت‌های دولتی از مسیر شورای اسلامی روستا و دهیاری
- به‌کارگیری تمامی ظرفیت روستا اعم از طوایف و اقوام مختلف در امور گوناگون روستا به پشتوانه اعضای ذی‌نفوذ هیئت‌امنا



۱. این امر نقش بسزایی در افزایش امید و میل به ماندگاری در روستا ایفا خواهد نمود که با احیاء و ارزش‌آفرینی برای آداب، رسوم، صنایع دستی و انجام فعالیت‌هایی نظیر راهاندازی سایت، وب‌نامه و شبکه روستایی امکان‌پذیر است.

۲. اطلاعات تکمیلی پیرامون این صندوق به پیوست آمده است.

پیوست ۸: آیین‌نامه اجرایی سفیران روستا

تعریف

فردی بیرونی است که به مسائل عمومی روستا و مدل فعالیت روستا آشنا بوده و با توجه شناخت اولیه‌ای که از روستا وجود دارد تعیین میشود. این نقش میتواند به یک روحانی، معلم و نظایر آن واگذار گردد. همچنین این نقش می‌تواند به افراد یا حتی خانواده‌های داوطلب^۱ نیز محول شود.

شرایط

- آشنا و علاقه‌مند به شرایط کار و زندگی در روستا
- حرمت شناس و ارزش آفرین برای فرهنگ، اصالت و سبک زندگی روستایی
- دارای تجربه و تدبیر لازم برای تعامل مؤثر با روستاییان
- مرتبط با شبکه‌ای از متخصصین و خیرین برای پشتیبانی از مسائل و مشاغل روستاها
- ساعی، سخت‌کوش، صبور، سختی‌پذیر و ثابت‌قدم
- آشنا به فرهنگ و زبان روستای هدف خود

شرح وظایف

شناسایی امین روستا؛ امین روستا فردی است از اهالی روستا که دارای مقبولیت عمومی بوده و مدیر، متعهد، مورد اعتماد اهالی، پیگیر و آموزش‌پذیر باشد. این فرد در آینده محور کلیه برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات در روستا خواهد بود. در صورت گستردگی و یا تنوع اقوام در روستا، به جای یک نفر، دو یا حداکثر سه امین از روستا برگزیده می‌شود.

اعتلای امین: با توجه به اینکه امین روستا نقشی کلیدی در پیشرفت و آبادی روستا دارد، رشد و تعالی او اقدام بسیار لازم و مهمی است.

پشتیبانی از امین: امین روستا مجموعه وظایف متعددی بر عهده دارد که ممکن است در برخی از آن‌ها از دانش و یا تجربه لازم برخوردار نباشد نظیر تدوین «سند معیشت و اشتغال روستا ۲». در این موارد ضروری است سفیر روستا با پشتیبانی‌ها خود امین را یاری نماید.

نظارت بر اقدامات امین: همان‌طور که گفته شد، محور پیشرفت و آبادی روستا امین روستا خواهد بود و اگر او از حرکت بایستد، تمامی اقدامات متوقف خواهد شد. بر این اساس ضروری است نظارت تقریباً نامحسوسی بر او وجود داشته باشد تا در صورتی که انگیزه‌اش فروکش نمود، مجدداً به او انگیزه داده شود و یا اگر از ادامه مسیر منصرف شد و یا توانایی لازم را نداشت و انتخاب ما اشتباه بود، برای جایگزینی او تدبیری اندیشیده شود.

ملاحظه: در تمامی موارد فوق، پشتیبانی نهاد راهبر استان و ستاد ملی نیز وجود خواهد داشت.

۱. به این داوطلبان «هم‌واره» گفته می‌شود. آیین‌نامه هم‌واره به پیوست آمده است.

۲. برنامه‌ای میان‌مدت برای بهبود وضعیت معیشت و اشتغال در روستا



چگونگی عمل به وظایف

پس از آگاهی سفیر از اقتضائات و الزامات یاریگری روستاییان و انتخاب روستاهای هدف، عزیمت به روستا به منظور انجام وظایف، طی مراحل زیر انجام خواهد شد.

سلام و سلامتی: اولین ورود و آشنایی که معمولاً بهترین زمان آن برای روستاها، ایام فعالیت‌های مذهبی و بهترین بهانه آن مشارکت در برگزاری یک مراسم اعیاد یا عزاداری در روستاست. **نشست و بر خاست:** مصاحبت با اهالی روستا به منظور شناخت بیشتر مناسبات موجود، افراد مؤثر، نیازها و مزیت‌ها و در نهایت شناسایی امین روستا.

حساب و کتاب: به منظور تعامل بیشتر با امین و تثبیت موقعیت او در روستا، چند اقدام یا خدمت زودبازده و اولویت‌دار با تشخیص و توسط امین و تأمین منابع و پشتیبانی سفیر انجام خواهد شد. همچنین برنامه‌ریزی و تهیه سند پیشرفت روستا با محوریت امین، مشارکت مؤثر اهالی روستا و پشتیبانی و حمایت سفیر به عنوان مهم‌ترین اقدام روستا در دستور کار قرار می‌گیرد.

کاروبار: پیاده‌سازی مفاد سند با محوریت امین روستا، پیگیری و مشارکت مردم روستا و هدایت منابع و پشتیبانی توسط سفیر روستا

چفت و بست: در اثنای برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی سند، به منظور پایدارسازی و ضمانت اجرایی بیشتر فرآیندها، جمعی متشکل از اهالی روستا با عنوان «کانون پیشرفت روستا» با محوریت امین تشکیل می‌شود.

ملاحظه ۱: همان‌طور که گفته شد، در تمامی مراحل فوق پشتیبانی مستمر از امین و نیز نظارت بر او وجود دارد.

ملاحظه ۲: در هر فعالیتی که امین روستا می‌تواند به‌تنهایی انجام دهد، سفیر مداخله نمی‌نماید.

پیوست ۹: طرح «هم‌واره»

تعریف

فرد یا خانوادهٔ دغدغه‌مند شهری است که به کمک جریان گردشگری اجتماعی، علاوه بر بهره‌گیری از آب و هوا و نان و غذای سالم روستایی، به کمک یک یا چند خانواده روستایی آمده و نقش عامل توانمندساز آنان، به شهررسانی محصولاتشان و توزیع آن‌ها در شبکه خانگی را ایفا می‌نماید.

مزایای طرح برای هم‌واره

- فرصت خدمت به شریف‌ترین قشر جامعه (روستائیان)
- برخورداری از فرصت سیاحت سالم در روستاها (هوای سالم، غذای سالم، محیط سالم)
- مسئولیت‌پذیری، جست‌وخیز و رشد فرزندان در طبیعت.

مزایای طرح برای واژه

- احساس شخصیت و هویت
- فروش بی‌واسطه محصولات در شبکه خانگی هم‌واره شهری
- برخورداری از فرصت مرآده با خانواده‌های شهری برای مشاوره و پشتیبانی
- حمایت و پشتیبانی توسط هم‌واره شهری در موارد اضطراری مراجعه به شهر نظیر درمان و امور اداری

مزایای طرح برای رستا

- بهره‌مندی از خدمات بدون توقع یک شبکه کاملاً مردمی
- راه‌اندازی شبکه‌های پایدار و توسعه‌پذیر برای پیشرفت و آبادانی روستاها

ملاحظات طرح

ساختار ناپذیری: شبکه‌های مردمی، نظم منحصر به خود را دارند و معمولاً تابع ضوابط و ساختارهای رسمی نیستند. این موضوع نباید به عنوان یک مشکل تلقی شود و می‌تواند زمینه نوآوری‌ها و تأمین منابع جدید را فراهم آورد.

آسیب‌های پیش‌بینی نشده: در کنار خلق فرصت‌ها و خدمات‌های متعددی که این طرح در پی خواهد داشت، ممکن است در مواردی آسیب‌های نادری را نیز به همراه داشته باشد که در قبال فرصت‌های بی‌نظیر آن فراوان نخواهد بود.

رسمی‌نمایی: به هر میزان که این ساختار به ساختار رسمی رستا نزدیک شود، به عنوان مثال پشتیبانی علنی توسط عوامل استانی، از ضریب تأثیر آن کاسته خواهد شد.

هم‌یاری‌های «هم‌واره»ها

- میزبانی و مهمان‌پذیری خانواده‌های روستا با آب، هوا، غذا و محیط سالم روستایی
- خرید محصولات روستایی توسط سفیران روستا و توزیع در شبکه‌های خانگی همسایگی و خانوادگی در شهر



- تامین دام، کندوی عسل، درخت و... توسط سفیر و امانت‌سپاری در روستا به نحوی که اصل سرمایه متعلق به خانواده شهری و ثمرات و عواید آن به خانواده روستایی اهدا و یا به شیوه مشارکت توافق خواهد شد.

- هویت‌بخشی و ارزش آفرینی برای فرهنگ و سبک زندگی روستایی با:

• تعلیم و آموزش مهارت‌ها و تجارب بچه‌های روستایی به بچه‌های خانواده شهری نظیر: چوپانی، کشاورزی، نانواپی، صنایع دستی و... که هم باعث ورزیدگی و رشد بچه‌های شهریو هم باعث اعتماد به نفس و احساس شخصیت بچه‌های روستا می‌شود.

• مستندسازی تجربه، مهارت و دانش محلی مردان و زنان روستا توسط مردان و زنان مهاجر

• مساعدت و پشتیبانی از جوانان و نوجوانان روستا برای راه‌اندازی نشریات الکترونیکی، پایگاه اینترنتی

و... برای ثبت و انتشار مناظر، داستان‌ها، آداب و رسوم، غذاهای محلی و اخبار روستا

• راه‌اندازی جشن‌واره‌های محلی و دعوت از خانواده‌های شهری برای بازدید از سرمایه‌های طبیعی،

صنایع دستی، آداب و رسوم، سبک زندگی روستا

- تامین منابع و سرمایه‌های لازم برای رونق کار و کسب‌های روستایی و پیشرفت و آبادانی روستا با

مطالبه‌گری از نهادها و دستگاه‌ها و جذب حمایت‌های خیرین

- گره‌گشایی از مسایل و مشکلات روستا با ایجاد حساسیت و جمع‌آوری نظرات کارشناسی متخصصان

با لحاظ اقتضات بومی و دانش تجربی.



پیوست ۱۰: آیین نامه اجرایی صندوق پیشرفت روستایی

تعریف

صندوق‌های قرض الحسنه روستایی که با هدف تأمین منابع پیشرفت و آبادانی روستاها ایجاد شده و توسط مردم روستا اداره خواهند شد.

سازوکار تأسیس و راه اندازی

«امین روستا» بعد از ارزیابی میزان انسجام اجتماعی، مشارکت پذیری و زمینه‌ی پذیرش عمومی در روستا، ایجاد صندوق را با محوریت کانون پیشرفت روستا در دستور کار قرار می‌دهد.

ساختار

هیئت‌امنا: هیئت‌امناى صندوق همان هیئت‌امناى «کانون پیشرفت روستا» خواهد بود.
مسئول صندوق: فردی قابل اعتماد، کارآمد، وقت‌گذار و مقیم روستا که با اکثریت قاطع آراء هیئت‌امنا صندوق (حداقل آراء: همه منهای یک) به مدت ۲ سال انتخاب خواهد شد.
تبصره: مسئول صندوق می‌تواند از میان هیئت‌امنا هم انتخاب شود.
دبیر صندوق: فردی منظم و پیگیر از اعضای هیئت‌امنا که مسئول تشکیل منظم جلسات هیئت‌امنا و پیگیری انجام مصوبات با رأی اکثریت هیئت‌امنا به مدت ۲ سال انتخاب خواهد شد.
حسابرس صندوق: فردی آشنا به امور مالی و حسابداری که توسط هیئت‌امنا انتخاب می‌شود و با دسترسی کامل به جزئیات دفاتر مالی صندوق، مسئول تهیه گزارش‌های ماهیانه و فصلی به هیئت‌امنا و گزارش‌های سالیانه به هیئت‌امنا و اعضاء صندوق خواهد بود.
اعضاء صندوق: کلیه اهالی روستا که با تکمیل فرم عضویت و یا سپرده‌گذاری به عضویت صندوق درآمده‌اند.
مجمع عمومی صندوق: مجمعی سالیانه که با حضور اعضا و هیئت‌امنا و کلیه مسئولین صندوق برگزار خواهد شد و در آن حسابرس و مسئول صندوق به ارائه گزارش مالی و عملکردی سالیانه خواهند پرداخت.
تبصره: مسئولیت دعوت عمومی، برگزاری، چاپ و توزیع بیلان مالی و گزارش عملکرد به عهده مسئول صندوق خواهد بود.

منابع صندوق

- حق عضویت اعضاء
 - انفاق ثلث اهالی متوفی
 - حمایت‌های خیرین
 - وام‌ها و مساعدت‌های حاکمیتی
 - وام‌ها و اعتبارات قرض الحسنه
 - بازپرداخت هزینه پروژه‌های زیرساخت اشتغال
- مساعدت‌های بلاعوض به مساکین روستا
 - وام‌های قرض الحسنه اضطراری
 - وام‌های قرض الحسنه اشتغال
 - ایجاد یا بهبود زیرساخت‌های عمومی روستا

۱. امین فردی از اهالی روستا است که دارای مقبولیت عمومی بوده و مدیر، متعهد، پیگیر و آموزش‌پذیر باشد. این فرد توسط «سفیر روستا» شناسایی شده و توانمندی‌های او در جهت ارتقای روستا، رشد و تعالی می‌یابد.
۲. جزئیات آن در پیوست شماره ۳ آمده است.

